

صبح ایران

GOETHE INSTITUT

فرهنگی، هنر و رسانه

خدا حافظی با سفیران نفوذی

در گفت‌وگو با جواد کراچی، فیلمساز و پژوهشگر ایرانی مقیم آلمان فعالیت‌های فرهنگی

سفارتخانه‌ها و حمایت از برخی فعالیت‌های هنری و شکل‌گیری شبکه‌های نفوذ کشورهای خارجی را بررسی کرده‌ایم

صفحه ۵

انعکاس روح عاشورایی در فرهنگ مقاومت

۱۰ رویکرد قیام حسینی را براساس کتب تاریخی با دکتر سیدعلی بطحانی بررسی کردیم



بچه‌زنگ ایرانی صهیونیست‌ها را رها نمی‌کند

استقبال از انیمیشن ایرانی در اسرائیل و حاشیه‌های این رخداد بار دیگر نشان از توان ناپیدای سینمای ایران دارد



اوشین یک سندرم جهانی

نکته‌های جالب سریال اوشین را که ۴۱ سال پخش مکرر آن در جهان ادامه دارد، مرور کرده‌ایم



زاویه دید



فاطمه رستمی گروه فرهنگ و هنر

در روزهای اخیر ممنوعیت فعالیت دو شعبه از «موسسه آموزش زبان آلمانی» (DSIT) در کشور، حواشی متعددی به همراه داشت و برخی این کار را اقدام تلافی‌جویانه ایران در پاسخ به بسته شدن مرکز اسلامی در هامبورگ دانستند. گرچه تعطیلی گوته در تهران، مسائلی مانند نداشتن مجوز فعالیت و دعوت برای شرکت در برنامه‌های فرهنگی نامتعارف از جمله آموزش رقص معاصر و... است و بیش از هر چیز نشانه‌های شکل‌گیری شبکه نفوذ فرهنگی آلمان در ایران، برای اشاعه فعالیت‌ها و سبک زندگی نامتعارف و غربی در کشور و زمینه‌سازی برای عملیات‌های نرم احتمالی در آینده‌ای نمی‌تواند علت اصلی جلوگیری از ادامه فعالیت این موسسه دانست. پیش‌تر نیز سفارت آلمان در برگزاری یک جشنواره موسیقی فولکلور در یکی از استان‌ها تذکراتی دیپلماتیک گرفته بود، اما بی‌اعتنایی به چنین هشدارهایی نمی‌توانست بی‌پاسخ باقی بماند. به نظر می‌رسد تلاش جریان‌های ضدانقلاب با حمایت سفارتخانه‌های برخی کشورهای خارجی در ایران در قالب تولید فیلم، تئاتر و موسیقی و... در سال‌های اخیر شدت یافته؛ آثاری که علاوه بر وارونه جلوه‌دادن حقایق، درصدد از بین‌بردن مظاهر هویت ایرانی-اسلامی هستند و فعالیت‌های فرهنگی برخی سفارتخانه‌ها تبدیل به پوششی برای پیاده‌سازی نقشه‌های براندازانه آنها شده است. برای بررسی نقش سفارتخانه‌ها و حمایت آنها از برخی برنامه‌های فرهنگی مغایر با چهارچوب‌های کشور یا «جواد کراچی» فیلمساز ایرانی مقیم آلمان گفت‌وگویی داشته‌ام که می‌خوانید.

رد پای فعالیت‌های نفوذی گوته در تاریخ

کراچی در مورد نقش سفارتخانه و شبکه‌های نفوذی آنها در پوشش برنامه‌های فرهنگی به جام‌جم گفت؛ با نگاه به دوران تاریخی مختلف، می‌توان رد پای تلاش برای نفوذ فرهنگی غربی‌ها به ایران در ادوار مختلف را مشاهده کرد. به عنوان نمونه «۱۰ شب شعر گوته در ایران، در دوران محمدرضا پهلوی و زمانی که قیام مردم علیه پهلوی شروع شده بود، یکی از تلاش‌های این موسسه برای نفوذ فرهنگی است. در واقع درشب شعرهای گوته، روشنفکران و هنرمندان را در جلسات ادبی گرد هم جمع و جریان‌سازی سینمایی و بینایی‌هایی صادر می‌کردند.

وی تصریح کرد؛ ۱۰ شب شعر، فقط یکی از فعالیت‌های گوته در طول تاریخ است که تلاش کرده از طریق فرهنگی و هنری در ایران فعالیت‌های نفوذی داشته باشد. پس از انقلاب نیز انستیتو گوته بارها تلاش کرد فضا سازی‌هایی را در کشور به راه بیندازد، نمود این رویکرد آلمان را در فیلم‌هایی که جشنواره‌های سینمایی این کشور از جمله جشنواره فیلم برلین تاکنون دنبال کرده‌اند، می‌توان مشاهده کرد؛ از فیلم‌هایی که در این جشنواره پذیرفته می‌شوند و جایزه می‌گیرند، گرفته تا آثاری که به دستور سفارتخانه آلمان در ایران ساخته می‌شوند و از طریق انجمن‌های فرهنگی و هنری این کشور در ایران مورد حمایت مستقیم قرار می‌گیرند و پرتیش را هم دریافت می‌کنند.

افتخار به عاملیت!

کارگردان مستند «من، ماه‌ماهی» تاکید کرد؛ رسانه‌ها بارها این موضوعات را تذکر داده‌اند. موسسه گوته سال‌هاست سعی دارد با فعالیت‌های فرهنگی و هنری نفوذ کند و هنرمندانی وجود دارند که با افتخار در مهمانی

خدا حافظی با سفیران نفوذی

در گفت‌وگو با جواد کراچی، فیلمساز و پژوهشگر ایرانی مقیم آلمان فعالیت‌های فرهنگی سفارتخانه‌ها و حمایت از برخی فعالیت‌های هنری و شکل‌گیری شبکه‌های نفوذ کشورهای خارجی را بررسی کرده‌ایم

مرکز اسلامی هامبورگ؛ از تاسیس تا تعطیلی

کارگردان فیلم سینمایی «یک بار زندگی» متذکر شد؛ سؤال اینجاست چرا آلمان که زمانی برای ساخت مرکز اسلامی هامبورگ سرمایه‌گذاری هنگفتی کرده، امروز باید موضع متفاوتی بگیرد و به کلی این مرکز را تعطیل و ایران را کشوری تروریست‌پرور معرفی کند؟ به نظر من باید به این مسأله دقت کرد که آلمان‌ها متوجه تاثیرگذاری و جاذبه مرکز اسلامی هامبورگ شده‌اند، به علاوه این‌که برای درک بهتر موضوع باید از دید خودشان به آن نگاه کرد. دریاچه‌ای که مرکز اسلامی هامبورگ کنار آن ساخته شده، یکی از بهترین مناطق هامبورگ است و واقعاً برای این مرکز هزینه شده بود، ولی بعدها همه فضای سبز اطراف مرکز را هم فروختند و به ساختمان‌سازی تخصصی دادند تا جلوی فضای زیبایی که دریاچه و مسجد کنار یکدیگر ایجاد کرده بود را بگیرند و از جذابیت و در مرکز توجه بودن آن بکاهند.

فیلمسازی با لابی سفارتی

وی ادامه داد؛ آلمانی‌ها یک زمانی سیاستی داشتند که خواستند مرکز اسلامی در هامبورگ تأسیس شود، حالا قطعاً سیاست‌شان تغییر کرده و آن را تعطیل می‌کنند! نباید از چنین تغییر موضعی ساده گذشت. حتماً این رویکردهای متفاوت معنای خاصی دارد و به شیوه‌های نفوذ فرهنگی که در نظر دارند مرتبط است. در این شرایط فیلم‌هایی مانند «یک محبوب من» یا «دانه انجیر معابد» و... فضا سازی‌های مغرضانه‌ای علیه کشور دارند و معلوم است که لابی‌هایی هستند و از سوی برخی نهادها و جریان‌های سلطه حمایت می‌شوند تا فیلم‌های سفارت‌پسند بسازند و از جشنواره‌ها جایزه می‌گیرند و پخش کنند بین المللی قوی هم دارند.

بهانه‌های زیادی برای تلافی داریم

کراچی در ادامه بیان کرد؛ برخی معتقدند بستن گوته اقدام ایران در تلافی بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ است؛ حتی اگر این طور باشد هم باید گفت ما بهانه‌های بسیار زیادی برای تلافی داریم. فعالیت‌های فرهنگی و هنری بسیاری در شرایط ایجاد شده آسیب دیده است. مثلاً حتی فرش دستباف ایرانی با ریشه‌های اقتصادی چند هزار ساله که رونق بسیاری داشته، از رونق می‌افتد و پشت سر هم کارخانه فرش صنعتی در کشور رانهاندازی می‌شود و آن قدر این فرش‌ها تبلیغ شد و از فعالیت‌های فرش صنعتی حمایت کردند که هنر فرش دستباف ایران را از بین بردند. ما با نابودی فرش دستباف، به صنایعی که از غرب و از همین آلمان وارد کشور می‌شد، وابسته شدیم و شاخه‌های هنری دیگری



مسلط هستند و راه‌های نفوذ فرهنگی جدید را به سیاست‌گذاران کشورشان معرفی می‌کنند.

سرمایه‌گذاری آلمان روی کشورهای فارسی‌زبان

به گفته این فیلمساز ایرانی مقیم آلمان، رسانه‌های آلمانی اخباری پخش می‌کنند که نشان می‌دهد برای نفوذ فرهنگی در کشورهای گرجستان و جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و تا امروز نیز کارهای زیادی انجام داده‌اند و هدف نهایی آنها ایجاد بحران در منطقه است. وی در این خصوص تشریح کرد؛ بحران در کشورهای دیگر درواقع آب را برای ماهیگیری خودشان گل آلود می‌کند و فقط به فکر سودجویی هستند. زمانی که در ایران زندگی می‌کردم متوجه شدم که هنرمندان زیادی به همکاری با کشورهای غربی افتخار می‌کنند و از این‌که راه را برای نفوذ باز می‌کنند خوشحال هستند. همان زمان مطمئن شدم نفوذ فرهنگی کشورهای استعمارگر یک مسأله واقعی و قطعی است و حالا بسته شدن موسسه گوته در ایران را به فال نیک می‌گیرم به این دلیل که همین مراکز هستند که نقشه استعماری و نفوذ فرهنگی کشورهای غربی را پیاده می‌کنند.



مانند رنگرزی سنتی و طبیعی از بین رفت، در واقع با تبلیغ گسترده صنایع خارجی و فروش ماشین آلات آنها به کشور، تمام عناصر یک هنر بومی و اصیل را از بین بردند.

ملتی که هویتش از بین برود راحت‌تر نابود می‌شود

کارگردان فیلم سینمایی «کجاست» با بیان این‌که توطئه‌های غربی‌ها برای از بین بردن هویت فرهنگی کشورها موضوع بسیار جدی و حساسی است، عنوان کرد؛ در دلایل بسته شدن گوته دیدیم که یکی از مسائل مربوط به کلاس‌های آموزشی رقص معاصر بود؛ اروپا و آمریکا سال‌هاست در حال تبلیغ چیزی به عنوان «رقص» معاصر هستند، آنها سال‌ها روی رقص بومی و سنتی ایران تحقیق کرده‌اند که نشان دهنده هویت ایرانی است و از نگاه آنها باید از بین برود چرا که هرچه به هویت ما ربط دارد باید نابود شود و ملتی که هویتش از بین برود راحت‌تر نابود می‌شود. وی خاطرنشان کرد؛ در مطالعاتی که همین کشورهای غربی داشته‌اند، رقص اصیل ایرانی را با تاریخ به وجود آمدن مفهوم فرشته برابر دانسته‌اند؛ فرشته‌ای که تمامی مذاهب وجود دارد. دلیل چنین تشبیهی اهمیت حرکت دست‌ها در رقص اصیل ایرانی است که با حرکت بال فرشته‌ها این همانی دارد. فرهنگ اصیل ما چنین مفاهیم ارزشمندی دارد.

کادر سازی برای آینده

غربی‌ها با موضوعاتی مانند رقص معاصر می‌خواهند داشته‌های فرهنگی و هویتی ما را کنار بزنند و مفاهیم بی‌ریشه و بی‌معنای خود را جایگزین آن کنند. همه اقدامات فرهنگی آنها در قالب شبکه‌های نفوذ می‌خواهد جوانان را جذب کند تا نسبت به کشوری اعتماد و بی‌علاقه شوند و علاوه بر سوء استفاده‌های سیاسی، نیروی انسانی آینده خود را تضمین کنند.

راه نفوذ؛ تخریب زیر ساخت‌های هویتی

این فیلمساز در ادامه گفت؛ رسانه‌ها باید نسبت به واقعیت این شبکه‌های نفوذ فرهنگی که از سمت سفارت‌ها رشد پیدا می‌کنند، آگاهی‌بخشی کنند. زمانی که جامعه خطرات این فعالیت‌های فرهنگی را درک کند، به راحتی در تله نمی‌افتد. آلمان سال‌هاست که به نیروی انسانی متخصص نیاز دارد تا صنایع و اقتصاد خود را روی پا نگه دارند. به ظاهر از آن حمایت می‌کنند، با فروش اسلحه و... درآمد ایجاد می‌کند. حتی با پایان جنگ نیز بازسازی یک کشور جنگ‌زده قطعاً سود زیادی برای کسانی که برای این کار فراخوانده می‌شوند به همراه خواهد داشت. نفوذ فرهنگی استعمارگران تنها به کلاس تئاتر و رقص در مؤسسات فرهنگی خلاصه نمی‌شود بلکه این کارهای کوچک، زیرساخت فرهنگی و هویتی یک کشور را نابود می‌کند و با این روش راحت‌تر به چنین کشورهایی نفوذ پیدا می‌کنند.